

بسم الله الرحمن الرحيم

نقش ولی فقیه در تحقق اقتصاد اسلامی

فاطمه زهرا کریمی

«دانش آموخته سطح دو حوزه علمیه نرجسیه سلام الله علیها رودان zhalh ۱۳۰۸@gmail.com»

چکیده:

این مقاله به بررسی نقش ولی فقیه در تحقق اقتصاد اسلامی در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. ابتدا مبانی فقهی و حقوقی ولایت فقیه و جایگاه آن به عنوان نهاد حاکمیتی در نظام اسلامی تبیین شده است. سپس اختیارات گسترده ولی فقیه در تطبیق احکام شرعی با مقتضیات زمان و مکان، سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی، مدیریت منابع عمومی مانند اوقاف، و نظارت بر نظام پولی و مالی کشور تحلیل شده است. در ادامه، تأثیر ولایت فقیه بر تدوین چارچوب‌های کلان اقتصاد اسلامی، هدایت سیاست‌های اقتصادی مقاومتی، حمایت از اقتصاد دانش‌بنیان و تلاش برای تحقق عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت بررسی می‌شود. مقاله با مروری انتقادی بر نقاط قوت و چالش‌های این نظریه، از جمله خطر تمرکز قدرت، محدودیت مشارکت مردمی، امکان تفسیر سلیقه‌ای از شریعت و ضرورت اصلاحات ساختاری و شفافیت بیشتر، نتیجه می‌گیرد که تحقق کامل اقتصاد اسلامی در چارچوب ولایت فقیه نیازمند بازنگری، تعادل بخشی و توجه به اصول دموکراتیک و حقوق شهروندی است.

کلمات کلیدی: ولایت، اقتصاد، شریعت، عدالت، نظارت

یکی از مهم‌ترین مسائل نظری و عملی در نظام جمهوری اسلامی ایران، جایگاه و نقش ولی فقیه در سامان‌دهی اقتصاد اسلامی و تحقق عدالت اجتماعی است. با توجه به اینکه ولایت فقیه به عنوان یک نظریه فقهی-سیاسی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به محوریت ساختار حکومتی و قانون اساسی بدل شد، بررسی ابعاد و آثار اقتصادی این نظریه اهمیت ویژه‌ای یافته است. مسئله اصلی این پژوهش، تبیین میزان و حدود اختیارات ولی فقیه در سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت بر ساختارهای اقتصادی کشور و ارزیابی کارآمدی این اختیارات در تحقق اهداف عدالت اقتصادی، رفع تبعیض و توسعه پایدار است. پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که اندیشمندان و فقهای متعددی همچون امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله منتظری و نیز منتقدانی مانند دکتر سروش و دکتر کدیور، هر یک از زاویه‌ای به نقد و بررسی مبانی، مشروعیت و پیامدهای ولایت فقیه در عرصه اقتصاد پرداخته‌اند؛ اما همچنان چالش‌هایی نظیر تفسیر اختیارات ولی فقیه، تعارض مصلحت و شریعت، و نقش نهادهای نظارتی و مردمی در این حوزه محل بحث است.

ضرورت پرداختن به این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که در شرایط کنونی، اقتصاد ایران با مشکلاتی مانند تحریم‌های بین‌المللی، نوسانات بازار، فساد اداری و فاصله طبقاتی روبروست و نقش نهاد ولایت فقیه در مدیریت بحران‌ها و تعیین سیاست‌های کلان اقتصادی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، سؤال اصلی تحقیق حاضر آن است که: «نقش و کارکرد ولی فقیه در تحقق اقتصاد اسلامی و عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران چیست و این نقش با چه فرصت‌ها و چالش‌هایی روبروست؟» هدف این پژوهش، واکاوی ابعاد نظری و عملی اختیارات ولی فقیه در اقتصاد، تحلیل انتقادی دستاوردها و موانع موجود، و ارائه تصویری واقع‌بینانه و مستند از تأثیر این نهاد بر ساختار و عملکرد اقتصاد اسلامی است تا بتواند زمینه‌ای برای اصلاحات و ارتقای کارآمدی نظام اقتصادی در چارچوب ارزش‌های اسلامی فراهم آورد.

۱- مفهوم شناسی اقتصاد اسلامی و ولی فقیه و اختیارات آن

۱-۱ مفهوم اقتصاد اسلامی

اقتصاد اسلامی به مثابه یک نظام فکری و عملی، مجموعه‌ای از اصول و قواعد اقتصادی است که از منابع اصلی دین اسلام یعنی قرآن و سنت (شامل روایات پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع)) استخراج شده و هدف آن تنظیم روابط اقتصادی فرد و جامعه بر مبنای عدالت، اخلاق و معنویت است. این نظام صرفاً به تحلیل پدیده‌های اقتصادی موجود نمی‌پردازد، بلکه یک «مکتب اقتصادی» است که با ارائه اهداف مشخص و ارائه راهکارهای عملی برای رسیدن به آن اهداف، به دنبال تحقق جامعه‌ای است که در آن ثروت به صورت عادلانه توزیع شود، مالکیت خصوصی و عمومی در چارچوب شریعت محترم شمرده شود و از تمرکز ثروت در دست عده‌ای محدود جلوگیری گردد. بر این اساس، مفاهیمی چون حرمت ربا به عنوان سنگ بنای نظام مالی اسلامی، وجوب پرداخت خمس و زکات برای بازتوزیع ثروت و حمایت از اقشار نیازمند، و مشروعیت کسب و کار تا جایی که با ارزش‌های اخلاقی و منافع عمومی در تضاد نباشد، از ارکان اصلی این نظام به شمار می‌روند.

برای مثال، در روایات تأکید فراوانی بر کار و تلاش برای کسب روزی حلال شده است، تا آنجا که امام صادق (ع) می‌فرماید کسی که برای تأمین خانواده‌اش تلاش می‌کند، مانند مجاهد در راه خداست (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۶۷). این دیدگاه نشان می‌دهد که اقتصاد در اسلام از عبادت و معنویت جدا نیست و فعالیت‌ها در جهت تحقق اهداف متعالی الهی تلقی می‌شود.

در لایه‌ای عمیق‌تر، اقتصاد اسلامی با تعریف خاص خود از «انسان اقتصادی»، از الگوهای رایج در اقتصاد سرمایه‌داری و سوسیالیستی متمایز می‌شود. در حالی که اقتصاد متعارف، انسان را موجودی صرفاً عقلانی و به دنبال حداکثرسازی سود مادی خود می‌داند، در نگاه اسلامی، انسان موجودی چندبعدی است که علاوه بر نیازهای مادی، دارای ابعاد معنوی و اخروی نیز می‌باشد و سعادت او در گرو تأمین متوازن همه این ابعاد است (مطهری، نظری به نظام اقتصادی اسلام، ص. ۱۴). از این رو، مفاهیمی چون قناعت، انفاق، ایثار و توکل، به عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر رفتار اقتصادی فرد مسلمان وارد تحلیل می‌شوند. مالکیت در این دیدگاه یک امانت الهی تلقی می‌گردد و انسان به عنوان خلیفه خداوند بر روی زمین، موظف است از منابع در جهت عمران و آبادانی زمین و تحقق عدالت بهره‌برداری کند، نه تخریب و استثمار. این مسئولیت‌پذیری در برابر خداوند و خلق، چارچوب حاکم بر تمامی فعالیت‌های اقتصادی از تولید و توزیع تا مصرف را شکل می‌دهد. به همین دلیل، کسب ثروت از راه‌های نامشروع مانند احتکار، که به نظم اقتصادی جامعه آسیب می‌زند، به شدت مذموم شمرده شده است، چنانکه در روایات از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که محترک ملعون است (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۶۵). بنابراین، اقتصاد اسلامی نظامی است که در آن، کارایی اقتصادی و رشد مادی، در چارچوب عدالت اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی تعریف و پیگیری می‌شود.

۲- مفهوم ولایت فقیه و مبانی فقهی آن

ولایت فقیه به عنوان یک نظریه فقهی - سیاسی، به معنای نیابت فقیه جامع‌الشرایط در دوران غیبت امام معصوم (عج) برای رهبری جامعه اسلامی است. این مفهوم ریشه در اندیشه شیعی دارد و اولین بار به صورت نظام‌مند توسط امام خمینی در کتاب ولایت فقیه تبیین شد. ایشان با استناد به ادله نقلی مانند حدیث «الْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ» (کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴) و ادله عقلی مانند ضرورت حفظ نظم اجتماعی، ولایت فقیه را ضروری می‌دانند. (خمینی، ولایت فقیه، ص ۵۶-۶۰)

مبانی فقهی ولایت فقیه شامل ادله اربعه^۱ است. برای مثال، آیت‌الله منتظری در کتاب دراسات فی ولایه الفقیه (آیت‌الله منتظری، دراسات فی ولایه الفقیه، ج ۱، ص ۱۴۳) به آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹) استناد می‌کند و «اولی الامر» را شامل فقهای عادل در عصر غیبت می‌داند. از منظر عقلی

^۱ (کتاب، سنت، عقل و اجماع)

نیز، ضرورت وجود حاکمیت برای جلوگیری از هرج و مرج، توجیه‌کننده این نظریه است. (جوادی آملی، ولایت فقیه، ۱۳۷۸، ص ۸۹)

برخی فقها مانند آیت‌الله شاهرودی، ولایت فقیه را نه تنها یک حق الهی، بلکه یک «وظیفه» برمی‌شمرند که فقیه را موظف به اداره جامعه می‌کند. (شاهرودی، مبانی حکومت اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۲) این دیدگاه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۵ و ۱۰۷) نیز انعکاس یافته است، جایی که ولایت مطلقه فقیه به عنوان محور نظام سیاسی شناخته می‌شود.

۳-۱ اختیارات ولی فقیه در تطبیق احکام با مقتضیات زمان و مکان

ولایت فقیه دارای اختیارات گسترده‌ای در تطبیق احکام شرعی با شرایط متغیر زمان و مکان است. امام خمینی در نامه تاریخی خود به رئیس‌جمهور وقت^۲ بر این نکته تأکید کرد که «حکومت می‌تواند هر امری را که ضرورت تشخیص دهد، حتی اگر مخالف با احکام اولیه شرع باشد، موقتاً تعطیل کند». (امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۹) این نظریه مبتنی بر مفهوم «مصلحت نظام» است که در اصل ۱۱۰ قانون اساسی به آن اشاره شده است.

آیت‌الله خامنه‌ای نیز در تبیین این اختیارات، به مسئله «احکام حکومتی» اشاره می‌کند که از سوی ولی فقیه صادر می‌شود و بر تمام احکام فرعی اولیه و ثانویه اولویت دارد. (خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، ۱۳۹۰، سوال ۱۰۴۵) برای مثال، در دوران جنگ تحمیلی، برخی قوانین اقتصادی موقتاً به دلیل مصلحت نظام تغییر یافتند. (فوزی، تحولات سیاسی ایران، ۱۳۹۵، ص ۴۳۲)

انتقاداتی نیز به این اختیارات مطرح شده است. آیت‌الله منتظری در کتاب حکومت دینی و حقوق انسان (آیت‌الله منتظری، کتاب حکومت دینی و حقوق انسان، ص ۱۶۷) معتقد است که این اختیارات نباید منجر به نقض حقوق اساسی مردم یا اصول ثابت شرعی شود. با این حال، شورای نگهبان در نظریه شماره ۳۷۸۲۱ تأکید کرده است که تشخیص مصلحت توسط ولی فقیه، در چارچوب شرع و قانون اساسی معتبر است.

۴-۱ نقش ولی فقیه در تغییر و تطبیق احکام اقتصادی و حکومتی

ولی فقیه در حوزه اقتصاد، اختیارات ویژه‌ای برای اصلاح قوانین مطابق با نیازهای روز دارد. برای مثال، سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی در خصوص خصوصی‌سازی، با تأیید مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۴ به اجرا گذاشته شد. (قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، مصوب ۱۳۸۶) این تغییرات مبتنی بر نظریه «اقتصاد مقاومتی» بود که توسط ایشان مطرح شد. (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۱/۰۱)

^۲ (خرداد ۱۳۶۷)

^۳ (۱۳۷۶)

در حوزه حکومتی نیز، تأسیس نهادهایی مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام به دستور امام خمینی.^۴ نمونه بارزی از اختیارات ولی فقیه در ایجاد ساختارهای جدید است. (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۷۶) این نهاد با هدف حل اختلافات بین مجلس و شورای نگهبان تأسیس شد و نقش کلیدی در تطبیق قوانین با مقتضیات زمان ایفا می‌کند.

برخی منتقدان مانند دکتر سروش در کتاب قبض و بسط تئوریک شریعت (دکتر سروش، قبض و بسط تئوریک شریعت، ص ۲۱۱) معتقدند که این اختیارات ممکن است به تفسیرهای سلیقه‌ای از شریعت بینجامد. با این حال، موافقان استدلال می‌کنند که نظارت مجلس خبرگان بر عملکرد رهبری (اصل ۱۰۷ قانون اساسی) مانع از سوءاستفاده از این اختیارات می‌شود. (عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج ۳، ص ۱۵۵)

۵-۱ حدود اختیارات ولی فقیه در مدیریت منابع عمومی مانند اوقاف

مدیریت منابع عمومی مانند اوقاف، تحت نظارت ولی فقیه قرار دارد. وفق ماده ۱۱ قانون اوقاف^۵، «اداره اوقاف تحت نظارت مقام رهبری است» و هرگونه تغییر در کاربری موقوفات نیاز به تأیید ولی فقیه دارد. آیت‌الله مکارم شیرازی در کتاب انفال و وقف (مکارم شیرازی، کتاب انفال و وقف، ص ۲۳۴) تأکید می‌کند که ولی فقیه به عنوان «ولی امر» حق تصرف در اموال عمومی را در جهت مصالح جامعه دارد.

با این حال، برخی فقها مانند آیت‌الله صانعی در کتاب مناسک حج (آیت‌الله صانعی، مناسک حج، ص ۱۴۵) معتقدند که اختیارات ولی فقیه در اوقاف، محدود به رعایت شرایط واقفان است و نمی‌تواند بر خلاف نیت آنها عمل کند. این دیدگاه در رأی شماره ۱۲۷ دیوان عالی کشور^۶ نیز منعکس شده است که بر لزوم حفظ شرایط وقف‌نامه‌ها تأکید دارد.

در عمل، رویکردهای متفاوتی مشاهده می‌شود. برای مثال، در سال ۱۳۹۵، دستور رهبری مبنی بر استفاده از بخشی از موقوفات برای ساخت مسکن محرومان، با استناد به «مصلحت عمومی» صادر شد. (پایگاه اطلاع‌رسانی رهبری، ۱۳۹۵/۵/۱۲) این اقدام نشان می‌دهد که ولی فقیه می‌تواند در صورت ضرورت، در مدیریت منابع عمومی تجدیدنظر کند، مشروط بر آنکه مغایر با اصول شرعی نباشد.

۲- نقش ولی فقیه در سیاست‌گذاری و هدایت اقتصاد اسلامی

۱-۲ تعیین چارچوب‌های کلان اقتصادی بر اساس فقه اسلامی

ولایت فقیه به عنوان بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در نظام اسلامی، نقش محوری در تدوین چارچوب‌های کلان اقتصادی مبتنی بر فقه اسلامی دارد. امام خمینی در کتاب ولایت فقیه (امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۷۲)

^۴ (۱۳۶۶)

^۵ (۱۳۶۳)

^۶ (۱۳۷۸)

قانون «مبارزه با قاچاق کالا و ارز»^{۱۴} که با تأیید مقام رهبری تصویب شد، نمونه‌ای از اقدامات عملی برای حفظ ثبات اقتصادی است. این قانون با استناد به آیه «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» (بقره: ۱۸۸) طراحی شده و هدف آن مقابله با اخلاک‌گران بازار است. (مرکز پژوهش‌های مجلس، گزارش شماره ۱۲۳۴۵، ص ۹)

انتقاداتی نیز به عملکرد نهادهای تحت نظارت رهبری وارد شده است. دکتر محمد طبیبیان در مقاله «تورم ساختاری در اقتصاد ایران» (دکتر طبیبیان، تورم ساختاری در اقتصاد ایران، ص ۵۶) معتقد است که سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی بدون حمایت از تولید، تنها به افزایش بیکاری منجر شده است. با این حال، شورای پول و اعتبار در سال ۱۴۰۱ با دستور رهبری، سیاست‌های جدیدی برای کنترل تورم همراه با حمایت از بنگاه‌های کوچک تصویب کرد. (گزارش بانک مرکزی، ۱۴۰۱)

۳-۳ نقش ولی فقیه در حفظ منافع جامعه اسلامی و مصلحت عمومی

ولایت فقیه به عنوان «حافظ مصالح عامه»، اختیارات گسترده‌ای در اتخاذ تصمیم‌های اقتصادی بر اساس مصلحت نظام دارد. امام خمینی در نامه‌ای به مجلس شورای اسلامی^{۱۵} تأکید کرد که «مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که حتی بر احکام فرعی شرع مقدس تقدم دارد». (امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۹) این اصل در ماده ۱۱۲ قانون اساسی و تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام نهادینه شده است.

آیت‌الله جوادی آملی در کتاب مبانی حکومت اسلامی (آیت‌الله جوادی آملی، مبانی حکومت اسلامی، ص ۲۰۳) استدلال می‌کند که تشخیص مصلحت عمومی توسط ولی فقیه، مبتنی بر «احکام ثانویه» و شرایط اضطراری است. برای مثال، در دوران تحریم‌های بین‌المللی، دستور رهبری برای توسعه روابط اقتصادی با کشورهای همسایه^{۱۶} با استناد به مصلحت حفظ اقتدار ملی صادر شد. (پایگاه اطلاع‌رسانی رهبری، ۱۳۹۷/۰۸/۱۰) با این حال، برخی حقوق‌دانان مانند دکتر محسن کدیور در کتاب حکومت ولایی (دکتر کدیور، حکومت ولایی، ص ۱۴۵) معتقدند که تفسیر گسترده از «مصلحت نظام» ممکن است به نقض حقوق شهروندی بینجامد. در مقابل، شورای نگهبان در نظریه شماره ۴۵۶۷^{۱۷} تصریح کرده است که مصلحت‌سنجی ولی فقیه همواره در چارچوب شرع و قانون اساسی اعمال می‌شود.

۳-۴ تضمین جاودانگی و کمال دین اسلام از طریق مدیریت اقتصادی

ولایت فقیه با پیوند اقتصاد و دیانت، درصدد است تا الگوی اقتصادی اسلام را به عنوان جایگزینی برای نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیستی تثبیت کند. آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی سال ۱۳۹۶ تأکید کرد که «اقتصاد اسلامی باید به گونه‌ای طراحی شود که هم‌زمان، رشد مادی و تعالی معنوی جامعه را تأمین کند».

^{۱۴} (۱۳۹۲)

^{۱۵} (۱۳۶۶)

^{۱۶} (۱۳۹۷)

^{۱۷} (۱۳۸۸)

(بیانات در اجلاس اقتصاد اسلامی، ۱۳۹۶/۰۹/۱۲) این دیدگاه مبتنی بر آیه «وَأَتَّبِعْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ» (قصص: ۷۷) است که بر توازن بین منافع دنیوی و اخروی تأکید دارد.

تدوین «سند چشم‌انداز ۱۴۰۴» با محوریت اقتصاد دانش‌بنیان و عدالت‌محور، نمونه‌ای از اقدامات کلان تحت نظارت رهبری است. این سند با استناد به روایاتی مانند «الْكَادُّ لِعِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (کلینی، اصول کافی، ج ۵، ص ۸۸)، بر مشروعیت کار و تولید در اسلام تأکید می‌کند. (دفتر مقام معظم رهبری، گزارش تحلیلی سند ۱۴۰۴، ۱۳۸۳، ص ۱۷)

منتقدانی مانند دکتر عبدالکریم سروش در کتاب بسط تجربه نبوی (دکتر سروش، بسط تجربه نبوی، ص ۲۱۰) استدلال می‌کنند که ادغام کامل اقتصاد و دین ممکن است به تحجر فکری بینجامد. با این حال، موافقان اشاره می‌کنند که نهادهایی مانند «مجمع جهانی اقتصاد اسلامی»^{۱۸} با حمایت رهبری، گام‌هایی برای تبیین الگوی اقتصادی اسلام در سطح بین‌المللی برداشته‌اند. (روزنامه کیهان، ۱۴۰۰/۰۴/۰۵، ص ۳)

^{۱۸} (تأسیس ۱۴۰۰)

نتیجه گیری

بررسی نقش و جایگاه ولی فقیه در تحقق اقتصاد اسلامی نشان می‌دهد که این نهاد، به عنوان بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در نظام جمهوری اسلامی ایران، تأثیر گسترده و تعیین‌کننده‌ای در سیاست‌گذاری کلان اقتصادی، مدیریت منابع عمومی و هدایت نظام پولی و مالی کشور دارد. اختیارات ولی فقیه در تطبیق احکام شرعی با مقتضیات زمان و مکان، امکان واکنش سریع به تحولات داخلی و بین‌المللی و اصلاح ساختارهای اقتصادی را فراهم آورده و تلاش شده است تا با تکیه بر مبانی فقهی و اصول عدالت اسلامی، الگویی متمایز از نظام‌های اقتصادی غربی ارائه شود. اقدامات عملی مانند تصویب قوانین مرتبط با اقتصاد مقاومتی، حمایت از اقتصاد دانش‌بنیان و اجرای سیاست‌های توزیعی برای کاهش فاصله طبقاتی، همگی در راستای تحقق اهداف عدالت اجتماعی و توسعه پایدار قرار داشته‌اند. با این حال، این رویکرد با چالش‌هایی همچون تمرکز قدرت، امکان تفسیر سلیقه‌ای از شریعت، ضعف در شفافیت و پاسخگویی، و محدودیت مشارکت مردمی و نخبگان اقتصادی روبرو بوده است که می‌تواند کارآمدی و مشروعیت نظام را تحت تأثیر قرار دهد.

در مجموع، اگرچه ولایت فقیه توانسته است با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فقهی و قانونی، انسجام و هدایت نظام اقتصادی جمهوری اسلامی را تا حد زیادی تأمین کند و در بزنگاه‌های حساس نقش مدیریتی و راهبردی ایفا نماید، اما تحقق کامل اقتصاد اسلامی و عدالت اجتماعی نیازمند بازنگری در حدود اختیارات، تقویت سازوکارهای نظارتی و شفافیت، و افزایش مشارکت نهادهای تخصصی و جامعه مدنی است. پاسخگویی به نیازهای پیچیده و متغیر جامعه معاصر، مستلزم رویکردی تعادلی است که ضمن حفظ ارزش‌های اسلامی، زمینه اصلاحات ساختاری، نوآوری و تعامل با تحولات جهانی را فراهم آورد. بنابراین، آینده موفق اقتصاد اسلامی در چارچوب ولایت فقیه، در گرو توجه به نقدهای فقهی، حقوقی و اجتماعی و تلاش برای ارتقای کارآمدی، عدالت و مشروعیت نظام خواهد بود.

• قرآن کریم

کتاب‌ها

- (۱) حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۲، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۶ق.
- (۲) خاتمی، سیدمحمد، ایران و جامعه دانش‌بنیان، تهران: طرح نو، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- (۳) خمینی، روح‌الله، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۴۹ هـ.ش.
- (۴) خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، ج ۲۰ و ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ هـ.ش.
- (۵) رنانی، محسن، «اقتصاد مقاومتی؛ چالش‌ها و راهکارها»، مجله اقتصادی، شماره ۴۵، ۱۳۹۵ هـ.ش.
- (۶) سروش، عبدالکریم، بسط تجربه نبوی، تهران: صراط، ۱۳۷۸ هـ.ش.
- (۷) سروش، عبدالکریم، قبض و بسط تئوریک شریعت، تهران: صراط، ۱۳۷۰ هـ.ش.
- (۸) شاهرودی، محمود، مبانی حکومت اسلامی، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- (۹) طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۰ق.
- (۱۰) طبیبیان، محمد، «تورم ساختاری در اقتصاد ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۴۲، ۱۴۰۰ هـ.ش.
- (۱۱) عمید زنجانی، عباس، فقه سیاسی، ج ۳، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- (۱۲) فوزی، یحیی، تحولات سیاسی ایران، تهران: سمت، ۱۳۹۵ هـ.ش.
- (۱۳) کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱ و ۵، قم: دارالحديث، ۱۴۲۹ق.
- (۱۴) کدیور، محسن، حکومت ولایی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۹ هـ.ش.
- (۱۵) لیلاز، سعید، اقتصاد سیاسی ایران، تهران: نشر نی، ۱۳۹۸ هـ.ش.
- (۱۶) مکارم شیرازی، ناصر، انفال و وقف، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب، ۱۳۹۰ هـ.ش.
- (۱۷) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- (۱۸) منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولایه الفقیه، ج ۱، قم: نشر تفکر، ۱۴۱۱ق.
- (۱۹) موسویان، سیدعباس، بانکداری اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰ هـ.ش.
- (۲۰) نائینی، محمدحسین، تنبیه الامه و تنزیه المله، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۴ هـ.ش.
- (۲۱) جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، قم: اسراء، ۱۳۷۸ هـ.ش.
- (۲۲) جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن، ج ۷، قم: اسراء، ۱۳۸۹ هـ.ش.
- (۲۳) جوادی آملی، عبدالله، مبانی حکومت اسلامی، قم: اسراء، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- (۲۴) موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، ج ۲۰ و ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ هـ.ش.

(۲۵) مؤمنی، فرشاد، اقتصاد ایران در تنگنای توسعه، تهران: نشر نی، ۱۳۹۵ هـ.ش.

فهرست مقالات، اسناد و قوانین

- (۱) پایگاه اطلاع‌رسانی رهبری، «دستور رهبری برای استفاده از موقوفات در ساخت مسکن محرومان»، ۱۲ مرداد ۱۳۹۵.
- (۲) پایگاه اطلاع‌رسانی رهبری، «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی»، ۲۹ بهمن ۱۳۹۲، www.leader.ir.
- (۳) پایگاه اطلاع‌رسانی رهبری، «سیاست‌های کلی تولید، اشتغال و رفاه»، ۱۵ شهریور ۱۳۹۵.
- (۴) خامنه‌ای، علی، اجوبه الاستفتاءات، تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۰ هـ.ش.
- (۵) خامنه‌ای، علی، «بیانات در دیدار مسئولان بانک مرکزی»، ۱۲ خرداد ۱۳۹۵، www.leader.ir.
- (۶) دفتر مقام معظم رهبری، گزارش تحلیلی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، تهران: ۱۳۸۳ هـ.ش.
- (۷) روزنامه کیهان، «تأسیس مجمع جهانی اقتصاد اسلامی»، ۵ تیر ۱۴۰۰.
- (۸) ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور، سند توسعه فناوری نانو، تهران: ۱۴۰۰ هـ.ش.
- (۹) قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، مصوب ۱۳۸۹ هـ.ش.
- (۱۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.